

مقایسه دیدگاه مسئولان، کارشناسان امور فرهنگی و جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران دربارهٔ تهاجم فرهنگی^۱

دکتر شهلا کاظمی پور*

چکیده

هدف اساسی از انجام این پژوهش، دست‌یابی به دیدگاه مسئولان و سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه، کارشناسان امور فرهنگی و جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران دربارهٔ مسئله تهاجم فرهنگی و مقایسه تطبیقی این دیدگاه‌هاست. به منظور مطالعه اکتشافی و تعیین معرف‌های لازم در بررسی تهاجم فرهنگی از روش اسنادی با مطالعه تاریخی و روش میدانی در مراحل مختلف تحقیق استفاده شده، و تکنیک‌های پرسشنامه، مصاحبه و فیش‌برداری به کار رفته است. در پایان، آرای سه گروه مورد بررسی دربارهٔ تهاجم فرهنگی، قدمت تهاجم فرهنگی در ایران، ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی، و راه‌های مقابله با آن مقایسه و تفاوت‌ها و تشابهات آن مشخص گردیده است.

مقدمه

سوء استفاده از فرهنگ و افکار عمومی به منظور زمینه‌سازی برای کسب پیروزی، پیش از آغاز حملات نظامی و تهاجمی یا همزمان با آن، با هدف جبران ناتوانی و شکست یا گاه به صورت آلت‌رناتیو (جانشین) آن، در طول حیات بشری امری دیرینه است (رفیع، ۸۵).
به موازات تنوع و پیچیدگی شیوه‌ها و ابزار حمله نظامی و سیاسی، شیوه‌ها و ابزار تهاجم

فرهنگی و فکری نیز متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده، چنان‌که تاریخ بشر آکنده از مصادیق این امر است. در واقع می‌توان ادعان کرد که تمام جنگ‌های تاریخ، جنگی فرهنگی و برسر اعتقادات و ارزش‌ها یا به تعبیر دیگر ناشی از تباین و تضاد میان اعتقادات گروه‌های مختلف بوده است (منصوری، ۱۳۷۴، ۴۱-۴۰).

گرچه نخستین مرحله تهاجم، توسل به حمله نظامی یا تسلط آشکار سیاسی بوده، ولی این روش اکنون کارآیی خود را از دست داده و جای خود را در مرحله دوم به تسلط غیرمستقیم و ناآشکار نظامی و سیاسی داده است. مرحله سوم این حرکت استعماری، استثمار و تسلط اقتصادی است. مرحله چهارم که در دوره‌های معاصر شاهد آن هستیم، تهاجم فرهنگی است که در این شیوه، ابزارها و روش‌های فرهنگی میدان عمل وسیع‌تری پیدا کرده‌اند (رفیع، ۹۱-۹۰). در تحولات عصر کنونی، تهاجم فرهنگی به‌طورکلی به جریانی اطلاق می‌شود که طی آن فرهنگ بومی و اصلی یک جامعه یا یک کشور، از داخل یا خارج مورد حمله و تسلط نظام فرهنگی دیگری قرار می‌گیرد.

بنابراین تهاجم فرهنگی به‌علت ماهیت آن، که یک‌سویه، تحمیلی، سلطه‌گرانه و دارای اهداف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی است، با تبادل فرهنگی، که در آن معرفی، انتقال و جای‌گزینی ارزش‌ها، داوطلبانه و آگاهانه صورت می‌گیرد، بسیار متفاوت است و این هر دو در دو جهت مخالف هم قرار دارند.

طرح مسئله

بحث و گفت‌وگو درباره تهاجم فرهنگی دیری است که حجم گسترده‌ای از موضوعات مطرح در وسایل ارتباط جمعی کشور (رادیو، تلویزیون، مطبوعات و...) را به خود اختصاص داده است. موضوع مذکور در مقاله حاضر با این پرسش آغاز می‌شود که در جامعه ایران تهاجم فرهنگی از چه زمانی شکل یک مسئله فرهنگی را به خود گرفته است؟ یا به تعبیری دیگر، مسئولان نظام از چه زمانی به تهاجم فرهنگی به منزله مسئله‌ای فرهنگی که الزاماً از راه‌های فرهنگی نیز باید به مقابله با آن برخاست، نگرسته‌اند؟

چنین به نظر می‌رسد که از پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، جامعه ایران با مشکلی فرهنگی دست به‌گریبان بوده است که ریشه آن به بحران هویت برمی‌گردد. این بحران که از ابتدای قرن

بسیستم همزمان با گستردگی ارتباط با تمدن غرب به وقوع پیوست، نظام شخصیتی جامعه ایران را آشفته کرد، چنانکه در حال حاضر می‌توان سه نوع نظام شخصیت را از همدیگر تمیز داد که این هر سه رو در روی هم قرار گرفته‌اند و با داعیه‌های مختلف، مانع ایجاد یک نظام واحد شخصیتی شده‌اند. هر یک از افراد برحسب تعلق به این سه نوع نظام، در گروه‌های زیر جای می‌گیرند:

۱- گروهی که حاضر به پذیرش هویت ملی خود نیستند و در عوض خود را به ارزش‌های غربی منتسب کرده‌اند و بعضی از آن‌ها در شکل افراطی، تنها جایی را که برای ادامه حیات مناسب می‌دانند، جهان غرب است.

۲- گروهی که به شدت به هویت ملی خود علاقه‌مندند و درصدد زنده کردن یا حفظ و نگهداری قومیت‌ها و سنت‌های قومی جامعه خویش هستند.

۳- گروهی که ضمن پای‌بندی شدید به ارزش‌های دینی و پافشاری بر حفظ و نگهداری آن‌ها، مبنای تمامی تحولات آینده جامعه را پاسداری از اصول و ارزش‌های دینی می‌دانند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به نظر می‌رسید که مشکلات فرهنگی تا حدودی تحت تأثیر پی‌آمدهای انقلاب مرتفع شده و فرهنگ انقلاب توانسته باشد فرهنگ خودی را در مقابل فرهنگ وارداتی تقویت کند. با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، روح جمعی بیش از پیش تقویت شد و همین امر از آسیب‌پذیری فرهنگ ایرانی در مقابل فرهنگ ملی وارداتی جلوگیری کرد. با پایان پذیرفتن جنگ، از سال ۱۳۶۷ به بعد جامعه ایران با دو مسئله عمده روبه‌رو شد؛ کم‌رنگ شدن ارزش‌های آرمانی انقلاب و سست شدن تقریبی رشته‌های تعلق و پای‌بندی افراد به سرزمین خویش. به این ترتیب جامعه ایران که طی ۱۵-۱۰ سال از تحولات فرهنگی بیرونی فاصله گرفته بود، از سال ۱۳۶۷ به بعد بار دیگر در معرض نوعی مواجهه فرهنگی با خارج قرار گرفت (سبزیان، ۴۷). گرچه تهاجم فرهنگی در معنای مصطلح و رایج آن از سال ۱۳۶۷ به بعد مطرح شد، ولی آنچه تهاجم فرهنگی را به بحرانی فرهنگی تبدیل کرد و ضرورت رویارویی صحیح با آن را آشکار نمود، پیشرفت‌های روزافزون در زمینه تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی بود. گسترش ماهواره‌های مخابراتی در سطح توده مردم و سهولت استفاده همگان از آن، کنترل دولت بر بخش فرهنگی را مختل کرده است و این وضع در صورت تداوم، مسئله تهاجم فرهنگی را به بحرانی فرهنگی تبدیل خواهد کرد.

ضرورت و هدف تحقیق

اظهارنظرهایی که تاکنون دربارهٔ تهاجم فرهنگی شده است، کمتر با یکدیگر قرابت و سازگاری دارند و این اختلاف نظر در همهٔ زمینه‌ها اعم از تعریف تهاجم فرهنگی، خطراتی که از این رهگذر کشور ما را تهدید می‌کند، راه‌های مقابله با آن و... کاملاً مشهود است. برای مثال بارها گفته شده که ما در برابر این تهاجم آسیب‌پذیر هستیم اما به‌طور دقیق مشخص نشده است که آیا همهٔ قشرها و گروه‌های جامعه آسیب‌پذیرند یا تنها قشر و گروهی خاص، آیا تمامیت فرهنگ این ملت بر اثر این تهاجم در معرض تهدید است یا فقط قسمت‌هایی از آن که در عین حال مهم و حساس هستند، تهدید می‌شوند، و خلاصه ابهاماتی از این دست فراوانند.

بدیهی است اتخاذ تدبیری مناسب و راه‌حلی مفید منوط به رسیدن به وفاق جمعی دربارهٔ تعریف تهاجم فرهنگی، مشخص کردن جنبه‌های آسیب‌پذیر فرهنگ، طرق نفوذ فرهنگی و بالاخره راه‌های مقابله با آن است. از این رو پژوهش حاضر با پذیرش این نکته که شناخت دقیق مسئله، خود به‌منزلهٔ دست‌یابی به نیمی از پاسخ است، کوشیده است تا با شناخت آرای گروه‌های اصلی اجتماعی یعنی مسئولان، کارشناسان امور فرهنگی و جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران، به تصویر روشن‌تری از مسئلهٔ تهاجم فرهنگی دست یابد.

روش تحقیق

در این بررسی جهت مطالعهٔ اکتشافی و تعیین معرف‌های لازم برای تهاجم فرهنگی از روش اسنادی با مطالعهٔ تاریخی استفاده شده است. بدین ترتیب که با مراجعه به کتب، مجلات و روزنامه‌ها، مباحث مربوط به تهاجم فرهنگی ارزیابی و معرف‌ها و شاخص‌های لازم برای سنجش آن تعیین گردیده است. همچنین اطلاع از آرا و دیدگاه‌های مسئولان کشور با بهره‌گیری از روش اسنادی از خلال مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و بیاناتی که آن‌ها در این خصوص در مجلات معتبر و روزنامه‌ها ابراز کرده‌اند، صورت گرفته است. برای آگاهی از نظر کارشناسان امور فرهنگی علاوه بر روش غیرمستقیم (اسنادی) و مراجعه به کتب و مقالاتی که منعکس‌کنندهٔ آرای آن‌ها بوده، از روش پیمایشی و طرح پرسش‌های محوری از برخی استادان و کارشناسان امور فرهنگی، نیز استفاده شده است.

برای اطلاع از نظر جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران، بهره‌گیری از روش پیمایشی مد نظر

قرار گرفته است. در این روش ابتدا از طریق مطالعه اکتشافی معرّف‌های لازم تعیین، و سپس با عملیاتی کردن آن‌ها پرسشنامه لازم تهیه، و سرانجام طی مصاحبه‌های حضوری اجرا گردیده است.

جامعه و نمونه تحقیق

جامعه آماری تحقیق شامل سه گروه؛ مسئولان نظام و سیاست‌گذاران فرهنگی، کارشناسان امور فرهنگی و جمعیت دیپلم به بالای ساکن در شهر تهران بوده است. نمونه‌های انتخابی در هر یک از سه گروه مطالعه عبارت بودند از:

- مسئولان نظام: شامل رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران امور فرهنگی - اجتماعی، ائمه جمعه، نمایندگان مجلس و برخی از شخصیت‌های رده اول مملکت.

برای اطلاع از دیدگاه‌های مسئولان نظام درباره تهاجم فرهنگی، تمامی مجلات معتبر و روزنامه‌های مربوط به سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۴ مطالعه و مطالبی که منعکس‌کننده آرای آن‌ها در این باره بوده، فهرست شده است و سپس از مجموعه فهرست شده به‌طور تصادفی ماه‌هایی از سال انتخاب و مطالب آن‌ها مطالعه و ارزیابی گردیده است.

- کارشناسان امور فرهنگی: شامل استادان دانشگاه‌ها، محققان و نویسندگان امور فرهنگی.

به منظور دستیابی به دیدگاه‌های این گروه، ابتدا فهرستی از مجموعه مطالب علمی که آن‌ها در این باره به رشته تحریر درآورده بودند، تهیه و پس از مطالعه دقیق، اسناد معتبر از میان آن‌ها انتخاب و تجزیه و تحلیل و ارزیابی شده است. همچنین طی مصاحبه‌ای با پرسش‌های از پیش تعیین شده، نظر ۴۵ نفر از کارشناسان امور فرهنگی که طی سال‌های مورد بررسی درباره مسئله تهاجم فرهنگی حساس بوده و مطالبی در سمینارها یا محافل علمی مطرح کرده‌اند، پرسیده شده و سپس از مجموع پاسخ‌های آن‌ها نتایج کلی استخراج گردیده است.

- حجم نمونه درباره جمعیت دیپلم به بالای ساکن در شهر تهران، شامل کسانی است که براساس فرمول کوکران انتخاب شده‌اند. حجم نمونه در این گروه، ۶۰۰ نفر بوده است.

این پژوهش در زمستان ۱۳۷۴ و بهار ۱۳۷۵ اجرا و اطلاعات میدانی (تکمیل پرسشنامه‌ها) در بهار ۱۳۷۵ جمع‌آوری شده است.

یافته‌ها

در این قسمت ابتدا خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق درباره هر یک از گروه‌های مذکور عرضه خواهد شد و سپس براساس آن‌ها ارزیابی و تجزیه و تحلیل و مقایسه تطبیقی صورت خواهد گرفت.

۱- نگرش مسئولان نظام به تهاجم فرهنگی

مسئولان نظام طی سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و میزگردهای مختلف بارها از مسئله تهاجم فرهنگی یاد کرده و مطالب مختلفی در این باره مطرح نموده‌اند که خلاصه‌ای به صورت جمع‌بندی از همه آن‌ها چه گفته‌اند، در زیر عرضه خواهد شد:

۱-۱- تعریف تهاجم فرهنگی

- مجموعه‌ای از تدابیر سیاسی یا اقتصادی که به قصد جای‌گزین کردن باورهای فرهنگ مهاجم به جای فرهنگ و باورهای علمی فرهنگی مورد هجوم، با توسل به زور اعمال می‌شود،
- تحمیل فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی به منظور ایجاد نوعی دگرگونی در جامعه با انگیزه‌های غیرالهی،

- مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات بطئی و تدریجی که برای متزلزل کردن بنیان‌های اعتقادی نسل جوان و پای‌بندی آن‌ها به مبانی دینی و اصول انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد،
- توسل کشورهای بیگانه به وسایل پیشرفته ارتباط جمعی با هدف تضعیف ارزش‌های اسلامی و علمی مردم ایران،

- اقدام کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا در جهت تضعیف ارزش‌های انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام،

- جنگ یا شبیخون فرهنگی علیه اسلام و انقلاب اسلامی که غایت آن بی‌اعتنا کردن جوانان به ارزش‌های اسلام و انقلاب اسلامی است،

- فعالیت از پیش طراحی شده و توأم با برنامه‌ریزی کشورهای پیشرفته غربی به منظور عرضه فرهنگ غرب در جوامع جهان سوم از جمله ایران،

- مشکلی فرهنگی که بیشتر ناشی از ضعف ارزش‌های خودی در مقابل ارزش‌های بیگانه

است (این دیدگاه شاید جزو محدود دیدگاه‌هایی باشد که مشکل تهاجم فرهنگی را پیش از آن‌که به کشورهای غربی نسبت دهد، ناشی از سیاست‌های فرهنگی و ضعف‌های موجود در داخل می‌داند).

۲-۱- قدمت تهاجم فرهنگی در ایران

- تهاجم فرهنگی اختصاص به عصر ما ندارد، بلکه پدیده‌ای است تاریخی که در دوره‌های مختلف به شیوه‌های گوناگون تجلی یافته است.

- ریشه تهاجم فرهنگی به زمان قاجار و برنامه اعزام کشیشان اروپایی به ایران به قصد مسیحی کردن مردم برمی‌گردد.

- نقطه آغاز این مسئله به‌طور مشخص از زمان روی کار آمدن خاندان پهلوی است.

- این مشکل از سال‌ها پیش وجود داشته، اما آن‌چه در عصر کنونی شکل نگران‌کننده‌تری به آن داده است، گستردگی ابعاد آن پس از انقلاب اسلامی و به‌ویژه پس از جنگ ایران و عراق است.

۳-۱- ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی

مهم‌ترین راه‌های نفوذ فرهنگ غرب به جامعه ما، از دید مسئولان عبارت بوده‌اند از:

- چاپ کتاب‌ها و تهیه فیلم‌های ضداسلامی،

- کشف حجاب،

- رواج میخوارگی،

- شکستن حریم‌های شرعی و قانونی میان زن و مرد،

- ایجاد مراکز فساد و تباهی در داخل کشور،

- منحرف کردن نیروهای جوان از پای‌بندی متعصبانه به ایمان و سلب ایمان اسلامی آن‌ها،

- گرفتن روحیه وقت‌شناسی، شجاعت، خطرکردن، تجسس و کنجکاوی از مردم،

از دید مسئولان نظام، ابزار و وسایل عمده مورد استفاده غرب برای نفوذ فرهنگی به جامعه ما عبارت بوده‌اند از: رادیو، خبرنگار، مجله‌های مد، تلویزیون‌های بین‌المللی، ماهواره‌ها و عکس‌های مستهجن.

۴-۱- راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

- بازگشت به خویشتن و حفظ و احیای اصالت و هویت فرهنگی و حفظ و پاسداری از آن،
- بازگشت به اسلام و آرمان‌های آن،

- به‌کارگیری شیوه‌های مختلف هنری برای معرفی احکام اسلام به جهانیان و تأکید بر نقش هنرمندان در این زمینه،

- تأکید بر افتخارات اسلامی و بهره‌مندی از هنر اصیل ایرانی،

- احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر،

- تشویق مردم به حضور در صحنه و تبلیغ آرمان‌های انقلاب اسلامی،

- تقویت بنیادهای اصیل فرهنگی جامعه در مقابل فرهنگ بیگانه،

- برخورد فیزیکی با عاملان و عناصر تهاجم فرهنگی در داخل کشور،

- مصون‌سازی جوانان در برابر تهاجم فرهنگی،

- تقویت روحیه ایمان و تقوا در میان مردم،

- تبلیغ و نشر آرمان‌های اسلامی - مذهبی با استفاده از امکانات و سایل ارتباط جمعی به‌ویژه

رادیو و تلویزیون.

۲- نگرش کارشناسان امور فرهنگی به تهاجم فرهنگی

با استفاده از کتب، مقالات و سخنرانی‌هایی که منعکس‌کننده آرای استادان دانشگاه‌ها، محققان و کارشناسان امور فرهنگی درباره تهاجم فرهنگی بوده‌اند و نیز طی مصاحبه‌های حضوری با آن‌ها، مجموع دیدگاه‌های این گروه درباره تعریف تهاجم فرهنگی، قدمت آن در ایران، راه‌های نفوذ و شیوه‌های مقابله با آن، جمع‌آوری شده که خلاصه آن‌ها به شرح زیر است:

۲-۱- تعریف تهاجم فرهنگی

- گسترش فرهنگ غیرخودی در جامعه به منظور تضعیف ارزش‌های فرهنگ خودی،

- فعالیتی آگاهانه و سازمان‌دهی شده در جهت دور کردن جامعه از آرمان‌های اصیل اسلامی و

انقلابی مردم ایران،

- تحمیل فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی با هدف ایجاد تغییر در بینش، رفتار، کردار و

ارزش‌های حاکم بر مناسبات مختلف جامعه،

- اشاعه ارزش‌های مبتذل غربی و تضعیف بنیان‌های اصیل فرهنگی کشور،
- جریانی که صرف‌نظر از نفع و ضرر آن، همزمان توده مردم و روشنفکر را دربرمی‌گیرد،
- شیوع افکار و اندیشه‌هایی که با مبانی و اعتقادات دینی تعارض دارند،
- سرگرم کردن مردم جوامع تحت ستم به فرهنگ غربی به منظور منحرف کردن تلاش‌های این جوامع از مقابله با هجوم بیگانگان،
- مقدمه‌ای برای تهاجم نظامی و نفوذ بیگانگان در داخل کشور،
- کوشش کشورهای غربی برای کسب منفعت اقتصادی و در نهایت سلطه اقتصادی بر جوامع جهان سومی،
- اقدامی در جهت متزلزل کردن بنیان‌های اصیل قومی، ملی و مذهبی،
- فعالیتی برای منحرف کردن نسل جوان به سمت باورها و ارزش‌های مبتذل غربی و اشاعه فرهنگ غربی در میان آن‌ها،
- ایجاد روحیه بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی در مردم،
- کوشش برای ایجاد انحراف در مسیر اصلی انقلاب و به ناکامی کشاندن آن.

۲-۲-۲- قدمت تهاجم فرهنگی در ایران

تهاجم فرهنگی، معضلی فرهنگی است که جامعه ما از ابتدای قرن بیستم با آن روبه‌رو بوده است. این مشکل که به‌منظر می‌رسد بیش از هر چیز ناشی از بحران هویت باشد، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه وقوع جنگ ایران و عراق، به علت تقویت ارزش‌های خودی در مقابل ارزش‌های وارداتی تا حدودی مرتفع شد، اما متأسفانه از سال ۱۳۶۷ به بعد، یعنی پایان جنگ تحمیلی، بار دیگر مطرح گردید و البته این بار به دلیل پیشرفت‌های عظیم در زمینه تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، شکل حادثری به خود گرفت.

۳-۲-۳- ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی

- تحصیل دانش‌آموختگان جهان سومی در کشورهای غربی،
- رواج دانش‌خاورشناسی،

- نفوذ تفکر فراماسونری،

- ترجمه آثار غربی و معرفی فرهنگ غرب در قالب کتب و رمان‌های گوناگون.

کارشناسان امور فرهنگی از رسانه‌های جمعی نظیر مجلات، روزنامه‌ها، امواج صوتی و تصویری و ماهواره به‌مثابه وسایل و ابزار نفوذ فرهنگ غرب نام برده‌اند.

۲-۴- راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

- برطرف کردن ضعف‌های درونی کشور،

- غنی کردن فرهنگ داخلی به لحاظ فکری، نظری و عملی به‌منظور مقاومت در برابر فرهنگ

غرب،

- ایجاد مصنوعیت فرهنگی در برابر فرهنگ غرب از طریق ایجاد حرکت‌های فکری و فرهنگی

صحیح و متناسب با اقتضای زمان،

- برنامه‌ریزی در جهت استقرار هویت جمعی مشترک در میان افراد جامعه با هدف ایجاد

اتحاد و وفاق عمومی،

- فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای رشد و شکل‌گیری فرهنگ مولد،

- تقویت نقاط قوت نظام فرهنگ خودی و شناسایی نقاط آسیب‌پذیر و رفع آن‌ها،

- کوشش برای پیشرفت و ارتقای جامعه اسلامی و الگو قرار دادن آن برای دیگران،

- آشنا کردن مردم جامعه با هویت و آثار فرهنگی، ملی و اسلامی،

- تأکید بر ارزش‌های انسانی و تربیت نسل جوان بر مبنای این ارزش‌ها.

کارشناسان امور فرهنگی اقدامات زیر را برای تحقق اهداف بالا مؤثر ذکر کرده‌اند:

- مقابله با فرهنگ بیگانه با سلاح هنر و تفکر،

- استفاده از وسایل و تجهیزات ارتباطی پیشرفته،

- پربار کردن برنامه‌های صدا و سیما از طریق به‌کارگیری نویسندگان و هنرمندان متعهد و

توانمند،

- طراحی راهبردهای فرهنگی کشور به کمک مطالعات میدانی به‌منظور تنظیم

خط‌مشی‌های فرهنگی منسجم و مناسب،

- بهره‌گیری از نظر اندیشه‌گران و صاحب‌نظران برای استخراج موضوعات فرهنگی مناسب و پژوهش درباره هر یک از آنها به منظور غنی‌تر کردن فرهنگ خودی و درک عمیق‌تر فرهنگ غرب،

- تهیه و تدارک برنامه‌های سازنده، جامع و نشاط‌انگیز برای جوانان به منظور ارضای نیازهای معنوی و مادی و اقیان روحیه تنوع‌طلب آنان،

- آشنایی با فنون هنری و تبلیقاتی کشورهای غربی و استفاده از این فنون در ساخت برنامه‌های مناسب،

- افزایش کمی و کیفی برنامه‌های سرگرم‌کننده و در عین حال مبتنی بر خصوصیات و ارزش‌های ملی،

- بازنگری در نظام آموزشی کشور و همت در جهت ایجاد نظام آموزشی متشکل از ایده‌آل‌های اصیل اسلامی، دانش پیشرفته امروزی، نیازهای عصر حاضر و اندیشه دفاع از هویت فرهنگی و منافع ملی،

- جدی گرفتن مسئله اوقات فراغت نوجوانان و جوانان و برنامه‌ریزی مناسب برای آن،
- سرمایه‌گذاری در جهت رشد و ارتقای کمی و کیفی برنامه‌های هنری، ورزشی و فعالیت‌های فوق برنامه،

- سالم کردن فضای مطبوعاتی کشور.

به نظر کارشناسان امور فرهنگی آنچه در زمینه مبارزه با تهاجم فرهنگی به طور جدی باید از آن اجتناب کرد، توسل به زور و اجبار و ایجاد محدودیت‌هایی است که مانع از تبادل صحیح افکار و رشد فرهنگی می‌شود.

۳- نگرش جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران به تهاجم فرهنگی

برای پی‌بردن به نگرش جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران به این مسئله، از روش مشاهده مستقیم (جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه مستقیم به جامعه آماری و تکمیل پرسشنامه) استفاده شده است. در این روش با تنظیم پرسشنامه‌ای چندمنظوره که شامل ویژگی‌های جمعیتی،

معرف‌های مربوط به شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی، معرف‌های مربوط به میزان گرایش به غرب و نوع نگرش به تهاجم فرهنگی بوده، اطلاعات لازم جمع‌آوری گردیده است.

۳-۱- تعریف تهاجم فرهنگی

- تعاریف مختلف پاسخ‌گویان از تهاجم فرهنگی به ترتیب فراوانی عبارت بوده است از:
- ورود و نفوذ فرهنگ غرب به کشورهای شرقی به قصد جای‌گزین کردن ارزش‌های غربی به جای ارزش‌های والای اسلامی،
 - تحمیل فرهنگ یک کشور به کشوری دیگر بدون توجه به پی‌آمدهای منفی آن،
 - تضعیف فرهنگ خودی در مقابل فرهنگ بیگانه،
 - از دست رفتن هویت ملی، سنتی و فرهنگی و وداع با آداب و رسوم و سنن بومی و ملی به قصد آشنایی با فرهنگی نو اما بیگانه،
 - گرایش به افکار غربی در جوانان،
 - رواج بی‌بندوباری در اجتماع و تمایل به خودآرایی‌های افراطی و آزادی روابط دختران و پسران به پیروی از الگوهای غربی،
 - القای فرهنگ بیگانه از طریق وسایل ارتباط جمعی و ماهواره‌ها،
 - شبیخون فرهنگی با هدف رواج ارزش‌هایی مخالف با ارزش‌های خودی،
 - تقلید کورکورانه از فرهنگ غرب و پذیرش مطلق ارزش‌ها و هنجارها و اعتقادات آن،
 - سلطه فرهنگی غرب برای رسیدن به هدف‌های اقتصادی و سیاسی،
 - پذیرفتن یک فرهنگ وارداتی به بهای نابودی فرهنگ خودی یا دست‌کم فراموش کردن آن،
 - از خودبیگانگی فرهنگی،
 - از بین رفتن حجاب اسلامی و رواج عقاید و افکار بیگانه،
 - تضعیف روحیه ابتکار و خلاقیت در جوانان،
 - ایجاد اختلال و چندگانگی در نظام فرهنگ عمومی جامعه،
 - سست شدن ریشه‌های اعتقادی و رواج افکار خرافی در میان مردم،
 - کم‌رنگ شدن خواسته‌ها، افکار و روش‌های پیشین و قوت گرفتن نیازها، اندیشه‌ها و شیوه‌های بدیع القاشده از سوی فرهنگ غرب،

- اشاعه ارزش‌ها و هنجارهای مغایر با شتون رسمی و شرعی کشور،
- هجوم کشورهای بیگانه به عرصه‌های علمی، فرهنگی و هنری،
- شدت بخشیدن به شهوات جنسی و ترویج روش‌های نامشروع ارضای جنسی.

یادآوری می‌شود فقط تعداد معدودی از پاسخ‌گویان معتقد بوده‌اند که چیزی به نام تهاجم فرهنگی وجود ندارد و آنچه در جامعه مشاهده می‌شود، تبادل فرهنگی است.

۲-۳- قدمت تهاجم فرهنگی در ایران

پاسخ‌گویان درباره حدود تقریبی نفوذ فرهنگ بیگانه به ایران به موارد زیر اشاره نموده‌اند:

- از زمان صفویه،
- از زمان قاجار،
- از زمان رضاخان،
- از زمان حکومت محمدرضا و کشف حجاب،
- همزمان با پیشرفت تکنولوژی و توسعه ارتباطات،
- همزمان با وقوع انقلاب اسلامی و به ویژه شروع جنگ ایران و عراق،
- پس از وقوع آتش‌بس میان ایران و عراق.

۳-۳- ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی

مهم‌ترین ابزار و وسایل از دیدگاه جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران، عبارت بوده‌اند از: ماهواره، ویدئو، نیروهای ضدانقلاب، تحصیل‌کردگان خارج از کشور، کتاب و بازدیدکنندگان کشورهای خارجی.

یادآوری می‌شود از میان موارد مذکور، سهم ماهواره از همه بیشتر برآورد شده است.

۴-۳- راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی

این راه‌ها به ترتیب اهمیت عبارت بوده‌اند از:
- اولویت دادن به کارهای فرهنگی، گسترش امکانات و فضاهای ورزشی، ایجاد محیط‌های

- دوستانه در دانشگاه‌ها و مراکز علمی فرهنگی، بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی، آگاهی‌دادن به افرادی که در پذیرش فرهنگ غیرخودی آمادگی بیشتری داشته‌اند،
- مبارزه با بدحجابی و رواج الگوهای بیگانه،
 - مبارزه با عوامل ضدانقلاب داخلی،
 - زنده کردن روحیه هویت ملی،
 - توسعه وسایل ارتباط جمعی و غنی کردن برنامه‌های داخلی،
 - شناسایی و تفکیک جنبه‌هایی از فرهنگ غرب که با ارزش‌ها و هنجارها و نظام فرهنگی ما کاملاً بیگانه است،
 - جمع‌آوری ماهواره‌ها و جلوگیری از فروش فیلم‌های مبتذل،
 - کاهش محدودیت‌های نامناسب،
 - نشان دادن نمونه‌های عینی از تباهی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که ناشی از توجه صرف به فرهنگ بیگانه بوده است،
 - بهره‌گیری از آرای جوانان در مسائل مملکتی،
 - افزایش رفاه نسبی،
 - ایجاد اشتغال کامل و فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای ازدواج جوانان،
 - ارتقای سطح آموزش و پرورش در همه سطوح،
 - ارزش نهادن به عقاید پیشینیان،
 - تحکیم روابط خانوادگی و برقراری پیوندهای عاطفی،
 - اجرای عدالت در تمامی زمینه‌ها،
 - رواج فرهنگ مطالعه و کتاب و کتابخوانی،
 - در نظر گرفتن حریم‌های قانونی و شرعی در روابط دختران و پسران.

یادآور می‌شود، از آن‌جا که پاسخ‌گویان در پاسخ به پرسش «چگونگی مقابله با تهاجم فرهنگی» مجاز بوده‌اند که به سه مورد اشاره کنند، تعداد پاسخ‌ها خیلی بیشتر از تعداد پاسخ‌گویان بوده است. همچنین اشاره به این نکته مفید است که اولویت دادن به کارهای فرهنگی، نزدیک به ۹۰ درصد از پاسخ‌ها را به خود اختصاص داده است. پس از آن، مبارزه با

بدحجابی و رواج الگوهای بیگانه، یک‌سوم از آرای پاسخ‌گویان را دربرگرفته است. مبارزه با عوامل ضدانقلاب، زنده کردن هویت ملی، توسعه وسایل ارتباط جمعی، از دیگر موارد عمده‌ای بوده است که پاسخ‌گویان به آن‌ها اشاره کرده‌اند.

۴- مقایسه دیدگاه‌های سه گروه مورد بررسی درباره تهاجم فرهنگی

۴-۱- مقایسه دیدگاه‌های سه گروه مورد بررسی درباره تعریف تهاجم فرهنگی

● تعریف مسئولان نظام از تهاجم فرهنگی عبارتست از:

تحمیل فرهنگ بیگانه به فرهنگ خودی به منظور ایجاد نوعی دگرگونی در جامعه با انگیزه‌های غیرالهی، متزلزل کردن بنیان‌های اعتقادی نسل جوان و سست کردن رشته‌های تعلق و پایبندی آن‌ها به مبانی دینی و اصول انقلاب اسلامی، ریشه کن کردن ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی، ایجاد روحیه بی‌اعتنایی به ارزش‌های جامعه در افراد به‌ویژه جوانان، و تضعیف پایه‌های نظام جمهوری اسلامی.

● تعریف کارشناسان امور فرهنگی از تهاجم فرهنگی عبارتست از:

- فعالیت برنامه‌ریزی‌شده حاملان و حامیان یک فرهنگ در جهت از هم پاشیدن نظام فرهنگی جامعه‌های دیگر و مستقر کردن نظام فرهنگی مورد علاقه یا مورد قبول خود به جای فرهنگ آن جامعه.

- تضعیف هسته مقاومت درونی ملت‌ها یعنی همان تفکر، دانش، دین، اخلاق، هنر، سنت‌ها، اخلاقیات و حتی ابزار و فنون مورد استفاده یک جامعه و تلاش برای سلب شخصیت اصلی ملت‌ها و ایجاد آمادگی در آن‌ها برای پذیرش بی‌چون و چرای اصول تفکر و فرهنگ بیگانه و معرفی کردن آن به‌مثابه فرهنگ، دانش و اخلاق مطلقاً مطلوب.

● تعریف جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران از تهاجم فرهنگی عبارتست از:

ورود و نفوذ فرهنگ غربی به کشورهای شرقی به قصد جای‌گزین کردن ارزش‌های غربی به جای ارزش‌های اسلامی، نفی هویت ملی، سنتی و فرهنگی، گرایش به افکار غربی در جوانان، ایجاد روحیه از خودبیگانگی فرهنگی، رواج بی‌بندوباری در اجتماع، آزادی روابط بین دختران و

پسران، پیروی از الگوهای غربی و پذیرش فرهنگ بیگانه به بهای فراموش کردن فرهنگ خودی.

چنان‌که ملاحظه می‌شود تعریف تهاجم فرهنگی از دید سه گروه مورد بررسی تا حدود زیادی با یکدیگر متفاوت است. به این معنا که گرچه هر سه گروه، تهاجم فرهنگی را نوعی تحمیل فرهنگی و ورود و نفوذ فرهنگ بیگانه، به‌ویژه فرهنگ غربی به جامعه تعریف کرده‌اند، ولی اهدافی که برای آن برشمرده‌اند، تا حدودی با یکدیگر تفاوت داشته است. برای مثال مسئولان نظام، هدف از تهاجم فرهنگی را ریشه‌کن کردن ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی، متزلزل کردن بنیان‌های اعتقادی و ایجاد روحیه بی‌اعتنایی در افراد به‌خصوص جوانان و تضعیف پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ذکر کرده‌اند، در صورتی که کارشناسان امور فرهنگی هدف از تهاجم فرهنگی را تضعیف شخصیت اصلی ملت‌ها و مقاومت درونی آن‌ها (یعنی همان تفکر، دانش، دین، اخلاق، هنر، سنت‌ها و اخلاقیات) و پذیرش اصول تفکر و فرهنگ بیگانه دانسته‌اند. حال اگر این اهداف را با اهدافی که جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران برشمرده‌اند، که عبارت بوده است از: نفی هویت ملی، سنتی و فرهنگی، ایجاد از خود بیگانگی فرهنگی، پذیرش فرهنگ بیگانه و فراموش کردن فرهنگ خودی مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که آرای این دو گروه اخیر به یکدیگر نزدیک‌تر است و با آرای مسئولان نظام تفاوت بیشتری دارد. به این معنا که مسئولان نظام به اسلام و ارزش‌های اسلامی به‌مثابه پایه‌های فرهنگی جامعه، تأکید بیشتری کرده‌اند، حال آن‌که کارشناسان امور فرهنگی به تمامی جنبه‌های فرهنگ نظر داشته‌اند.

۲-۴- مقایسه دیدگاه‌های سه گروه مورد بررسی درباره قدمت تهاجم فرهنگی در

جامعه ایران

● قدمت تهاجم فرهنگی از دید مسئولان نظام

مروری بر اظهارات مسئولان نظام درباره قدمت تهاجم فرهنگی در ایران نشان می‌دهد که میان آن‌ها اشتراک نظری در این خصوص وجود ندارد، چنان‌که برخی معتقدند تهاجم فرهنگی، پدیده‌ای است تاریخی که در دوره‌های مختلف و به‌صورت گوناگون تجلی یافته است، عده‌ای دیگر زمان شروع آن را حکومت قاجار در ایران دانسته‌اند، گروهی آغاز تهاجم فرهنگی در ایران را هم‌زمان با حکومت پهلوی بیان کرده‌اند، و عده‌ای نیز با تأکید بر دیرینگی این مسئله، اوج

فعالیت و نفوذ آن را به پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص دوره پس از جنگ عراق علیه ایران بازگردانده‌اند.

● قدمت تهاجم فرهنگی از دید کارشناسان امور فرهنگی

استادان، محققان و کارشناسان امور فرهنگی یا اشاره به دیرینگی این مسئله، شکل جدید تهاجم فرهنگی غرب در کشورهای جهان سوم به ویژه کشورهای اسلامی را همزمان با آغاز مناسبات صنعتی نوین ذکر کرده و ادامه آن به شکل امروزی را نتیجه گسترش سیاست‌های استعماری یکصد و پنجاه سال اخیر دانسته‌اند.

البته عده‌ای از کارشناسان امور فرهنگی نیز بر این اعتقاد بوده‌اند که تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران به صورت منظم و مداوم همزمان با آغاز دوره رنسانس در اروپا بوده، در دوره صفوی با آمدن برادران «شرلی» نمود بیشتری یافته و سپس با ورود غربی‌ها به ایران در زمان فتحعلی شاه شکل تازه‌ای به خود گرفته است. سرانجام در دوره پهلوی به شدت و شتاب این هجوم افزوده شده تا این‌که پس از انقلاب اسلامی شکل تازه و همه‌جانبه‌ای پیدا کرده است.

● قدمت تهاجم فرهنگی از دید جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران

عده‌ای شروع آن را به دوره حکومت صفویه در ایران، گروهی به زمان قاجار و برخی نیز به آغاز حکومت پهلوی ربط داده‌اند. همچنین تعدادی ریشه این مسئله را به زمان شروع جنگ عراق علیه ایران و برخی به عکس، به زمان وقوع آتش‌بس میان نیروهای این دو جبهه برگردانده‌اند و البته عده‌ای نیز تهاجم فرهنگی را همزمان با توسعه تکنولوژی و ارتباطات دانسته‌اند.

با مرور اظهار نظرهای مذکور می‌توان به این نتیجه رسید که بین آرای هر سه گروه درباره قدمت تهاجم فرهنگی، وفاق نسبی وجود دارد. گرچه کارشناسان امور فرهنگی با ذکر این نکته که تهاجم فرهنگی تقریباً همزمان با آغاز مناسبات جدید صنعتی طی یکصد و پنجاه سال اخیر شروع شده است، دقت نظر بیشتری در این باره از خود نشان داده‌اند.

۳-۴. مقایسه دیدگاه‌های سه گروه مورد بررسی دربارهٔ ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی

● ابزار، وسایل و شیوه‌های فرهنگ غرب از دید مسئولان نظام

این گروه؛ رادیو، تلویزیون‌های بین‌المللی، ماهواره‌ها، مجله‌های مد، خبرنامه‌ها، ایجاد مراکز فساد و تباهی در داخل کشور، رواج میخوارگی، چاپ کتاب‌ها و تهیه فیلم‌های ضداسلامی را به‌مثابه ابزار و وسایل تهاجم فرهنگی و در عین حال راه‌های نفوذ فرهنگ غرب به داخل کشور معرفی کرده‌اند.

● ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی از دید کارشناسان امور فرهنگی

این گروه؛ مجاری تهاجم فرهنگی دولت‌های استعماری به کشورهای تحت نفوذ را به سه دسته تقسیم کرده‌اند که عبارتند از:

الف - دانش‌آموختگان غربی و غرب‌گراها،

ب - دست‌آوردهای علمی و فنی به‌صورت نرم‌افزار و سخت‌افزار،

ج - وسایل ارتباطی و مخابراتی شامل منابع مکتوب و غیرمکتوب، تجهیزات پیچیده رایانه‌ای و ماهواره‌های پیشرفته.

● ابزار، وسایل و شیوه‌های مختلف تهاجم فرهنگی از دید جمعیت دیپلم به بالای شهر

تهران

این گروه؛ از ماهواره، ویدئو، نیروهای ضدانقلاب، تحصیل‌کرده‌های خارج، کتاب‌های مبتذل و منحرف‌کننده و بازدیدکنندگان کشورهای خارجی به‌مثابه مهم‌ترین راه‌های نفوذ فرهنگ بیگانه به کشور یاد کرده‌اند.

با مقایسه آرای گروه‌های مورد مطالعه درمی‌یابیم که هر سه گروه، از رادیو، تلویزیون، مجله‌های مد، خبرنامه‌ها و به‌طور کلی وسایل مختلف ارتباط جمعی به‌مثابه ابزار مهم تهاجم فرهنگی نام برده‌اند، اما کارشناسان امور فرهنگی علاوه بر این‌ها، از دانش‌آموختگان غربی و غرب‌گراها و دست‌آوردهای علمی و فنی نیز به‌منزلهٔ دیگر ابزار مهم تهاجم فرهنگی و از جمله

راه‌های حساس نفوذ فرهنگ بیگانه به داخل کشور یاد کرده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت گرچه میان آرای این هر سه گروه در این باره اشتراک نظر نسبی وجود دارد، ولی آرای کارشناسان فرهنگی کامل‌تر و دقیق‌تر است.

۴-۴- مقایسه دیدگاه‌های سه گروه مورد بررسی درباره راه‌های مقابله با تهاجم

فرهنگی

● راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی از دید مسئولان نظام

این گروه؛ بازگشت به خویشتن و گذشته پرافتخار ملی، بهادادن به فرهنگ خودی، تکیه به اسلام و آرمان‌های آن، معرفی احکام اسلام به شیوه‌های مختلف هنری، تأکید بر افتخارات اسلامی با به‌کارگیری هنر اصیل ایرانی، احیای سنت امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ آرمان‌های انقلاب اسلامی، تقویت روحیه ایمان و تقوا در میان مردم و بالاخره برخورد فیزیکی با عاملان و عناصر داخلی تهاجم فرهنگی را از جمله راه‌های مهم مقابله با نفوذ فرهنگ بیگانه در داخل کشور دانسته‌اند.

● راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی از دید کارشناسان امور فرهنگی

به نظر این گروه، عمده‌ترین راه‌های مقابله با نفوذ فرهنگ بیگانه در داخل کشور عبارت بوده‌اند از:

ایجاد مصونیت فرهنگی از طریق غنی‌کردن فرهنگ خودی و برطرف کردن ضعف‌های فرهنگی به لحاظ فکری، نظری و عملی، برنامه‌ریزی در جهت استقرار هویت جمعی مشترک در میان افراد جامعه، تقویت فرهنگ مولد، بهادادن به هویت و آثار فرهنگی، ملی و اسلامی با تأکید بر ارزش‌های انسانی و فرهنگی.

کارشناسان امور فرهنگی تحقق اهداف فوق را در گرو فراهم آمدن شرایط زیر ذکر کرده‌اند:

تقویت هنر، تجهیز و وسایل ارتباطی پیشرفته، استفاده از اندیشه‌گران و هنرمندان برای تعیین خط‌مشی‌های فرهنگی و تولید برنامه‌های پر محتوا، ایجاد دگرگونی در نظام آموزشی کشور، تهیه و تدارک برنامه‌های سرگرم‌کننده و مناسب به منظور تأمین خواسته‌های مردم و جلب توجه آن‌ها به سمت تولیدات هنری داخلی.

این گروه، توسل به زور و اجبار و ایجاد محدودیت‌هایی که مانع از تبادل صحیح افکار می‌شوند و نیز اعمال خشونت و سخت‌گیری‌های بی‌مورد را از جمله عوامل برانگیزاننده و مشوق افراد به سوی فرهنگ بیگانه برشمرده‌اند.

● راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی از دید جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران

این گروه، اولویت دادن به کارهای فرهنگی، مبارزه با بدحجابی و رواج الگوهای بیگانه، مبارزه با عوامل ضد انقلاب داخلی، زنده کردن هویت ملی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و غنی کردن برنامه‌ها، اخذ جنبه‌های مثبت فرهنگ بیگانه و دوری از جنبه‌های منفی و مخرب آن، جمع‌آوری ماهواره‌ها و جلوگیری از فروش فیلم‌های مبتذل را از جمله راه‌کارهای مناسب مقابله با تهاجم فرهنگی دانسته‌اند. البته گروه مذکور به موارد دیگری نیز چون افزایش رفاه نسبی، ایجاد اشتغال برای جوانان، ارتقای سطح آموزش و پرورش، تحکیم روابط خانوادگی، اجرای عدالت در تمام زمینه‌ها و افزایش فرهنگ مطالعه در میان مردم اشاره کرده‌اند، ولی درصد اختصاص یافته به این راه‌کارهای پیشنهادی کمتر از راه‌کارهایی بوده که در بالا به آن‌ها اشاره شده است.

با مقایسه آرای سه گروه مورد بررسی درمی‌یابیم که:

● هر سه گروه با جملات و تعابیر کمابیش مشابه به این نکته اشاره کرده‌اند که عمده‌ترین راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی، بازگشت به خویشتن و گذشته پرافتخار، بهادادن به فرهنگ خودی و غنی کردن آن و اولویت دادن به کارهای فرهنگی است.

● تقویت و به‌کارگیری هنرهای اصیل ایرانی از جمله مواردی بوده است که مسئولان و کارشناسان امور فرهنگی مطرح کرده‌اند.

● احیای امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ آرمان‌های انقلاب اسلامی، تقویت روحیه ایمان و تقوا بیشتر از سوی مسئولان پیشنهاد شده است.

● تعیین خط‌مشی فرهنگی و تولید هرچه بیشتر برنامه‌های پرمحتوا، ایجاد دگرگونی در نظام آموزشی و فرهنگی کشور، استفاده از اندیشه‌گران و هنرمندان و عوامل فکری، از پیشنهاد‌های اساسی کارشناسان امور فرهنگی بوده است (البته تعدادی از جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران

نیز به این موارد اشاره کرده‌اند).

- تجهیز و توسعه وسایل ارتباطی از جمله پیشنهادهای برخی از کارشناسان و جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران بوده است.
- برخورد فیزیکی و تدافعی که برخی از مسئولان و جمعیت دیپلم به بالای شهر تهران پیشنهاد کرده‌اند، از سوی کارشناسان امور فرهنگی به شدت منع شده و در واقع آن‌ها توسل به هر نوع زور و اجبار را تشدیدکننده تهاجم فرهنگی دانسته‌اند.

پی نوشت

۱. این مقاله خلاصه‌ای است از طرحی پژوهشی با همین عنوان که گزارش کامل آن را مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در پاییز ۱۳۷۶ منتشر کرده است.

منابع و مأخذ

- رفیع، جلال. فرهنگ مهاجم و فرهنگ مولد، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- سبزیان، سعید. جزوه درسی «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- منصوری، جواد. جنگ فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.
- منصوری، جواد. فرهنگ استقلال، چاپ سوم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰.
- نامه پژوهش (ویژه تهاجم فرهنگی)، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۲ و ۳، ۱۳۷۵.